



پاسداری از حریم خانواده در اسلام: وظایف زن در اداره خانواده از دیدگاه اسلام

پدیدآورنده (ها): غفرانی، محمد

- ۷۵۳۱ علوم تربیتی :: نشریه مکتب مام :: دی ۹۰۱

۳۱ از ۱۰۱ شماره

آدرس: <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/908942> تا

ثابت

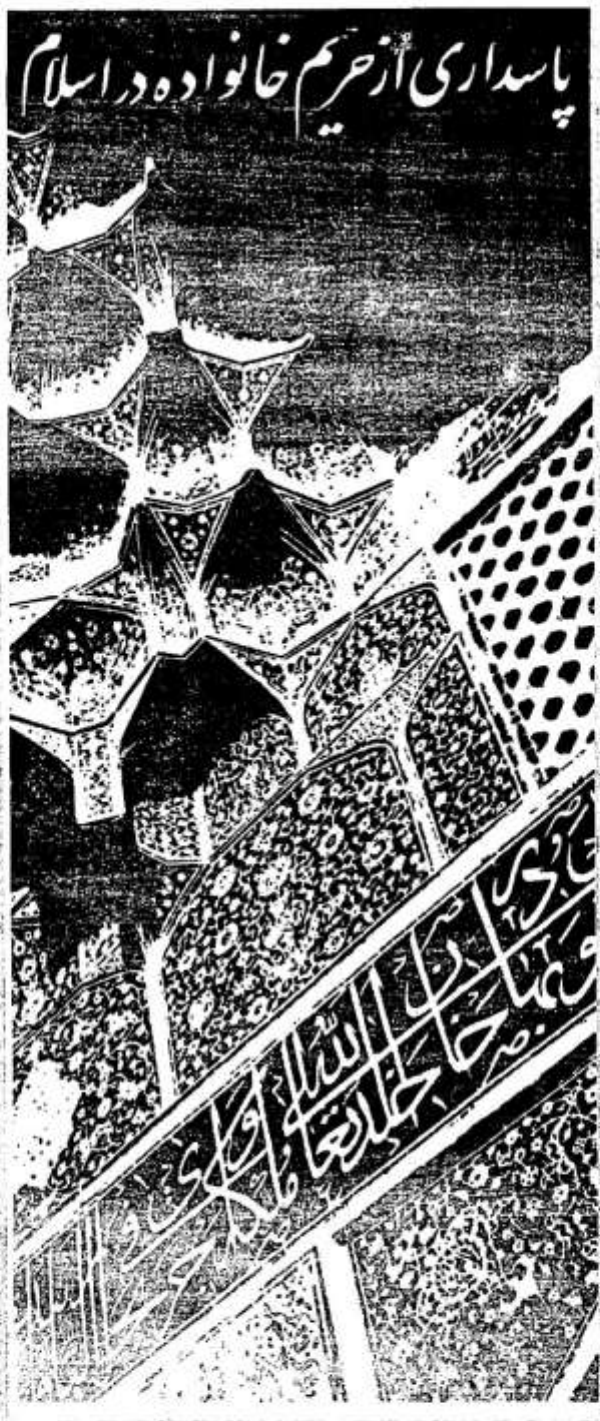
مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

بقلم دکتر محمد غفرانی
استاد دانشگاه تهران



وظایف زن در اداره خانواده از دیدگاه اسلام

در مقال گذشته پیرامون شخصیت حقوقی زن به عنوان يك ركن اساسی از ارکان خانواده سخن گفتیم و اینك می پردازیم به وظایف زن به عنوان يك همسر در اداره امور زندگی مشترك خانواده، در اسلام امور اقتصادی و تامین وسایل معیشت و امر معاش بطور کلی به عهده مرد واگذار گردیده و زن را از تحمل مشقت و مقابله با بسیاری از مشکلات زندگی مادی معاف نموده است و مرد است که باید کلیه وسایل آسایش را برای همسر خود و فرزندانش فراهم کند و به کارهای سخت و فرساینده تن دردهد و در حقیقت اسلام زن را تنها سنبل عاطفه در افراد خانواده می داند که مسئولیت

امور داخلی زندگی آنها را در درجه نخست متوجه زن گردانیده تا مسائل مشترك زندگی همراه با رشد عاطفی در مرد و سایر افراد خانواده در جهت تامین رفاه و آسایش آنان فراهم گردد، بنابراین مساله نفقه زن در خانواده برخلاف تصور بسیاری از بانوان به ویژه آنان که از عمق احکام شریعت مقدس اسلام بی خبرند امتیازی است که باین وجود لطیف که چون قلب در بین سایر اعضای جسم و باطری در بین اجزای موتور منبع تولید انرژی به شمار می آید اعطا نموده نه به عنوان صدقه و ترحم و سایه سر از دید توده عوام، بلکه وظیفه مرد است که با رعایت کلیه حقوق مدنی زن و احترام نهادن به شخصیت اجتماعی وی و سایر معاش او را فراهم کند بدون آنکه به موقعیت خطیرش در اصول بنیادی خانواده لطمه وارد آورد و همه بدانند که زن نه تنها يك عنصر جانبی در اداره امور زندگی است بلکه وجودش پایه و اساس بقای کانون خانواده است پس باید به او به دیده احترام نگریست همان گونه که پیامبر اسلام با زوجات متعدد خود چنین رفتار می کردند و با مشارکت در اداره امور زندگی مشترك کانون خانواده را بیش از پیش گرم و دلپذیر می ساختند، این نویسنده در کتاب «اسلام و خانواده» که به وسیله انجمن اولیاء و مربیان دو سال پیش

انتشار یافت درباره رفتار و سلوک پیامبر گرامی اسلام با همسرانش سخن گفته است، خلاصه آنکه زن هر چند توانگر و ثروتمند باشد هرگز مکلف به تهیه امر معاش نخواهد بود و اگر هم مشارکتی در این زمینه با شوهر خود داشته باشد فقط جنبه انسانی و فداکاری دارد و بس و به هنگام جدایی که به حکم ضرورت صورت می گیرد باز هم امور معاش زن (نفقه) در دوران عده طلاق به عهده مرد است و مهر و کابین او را باید بدون تاخیر پردازد و در این مدت باید مسکن و غذا و پوشاک وی را آنچنان که مناسب شخصیت خانوادگی زن است تهیه و تامین کند و هرگونه قصور و تخلف از انجام این مهم مورد تعقیب کیفری و مجازات قرار می گیرد و مخارج و هزینه زندگی فرزندان خردسال و شیرخوارش را نیز باید پردازد و مرد نمی تواند در این مورد هیچگونه امری را بر زن تحمیل نماید اگر این است حمایت از حقوق زن پس از طلاق پس چگونه خواهد موقعیت وی در خانواده بدان هنگام که پیوند مقدس زناشویی آن دو را به یکدیگر نزدیک و حلال ساخته است و اگر این است وظیفه مردانی که همسران خود را طلاق گفته اند پس چگونه خواهد بود وظیفه آنان به هنگام سرپرستی خانواده خود خداوند متعال می فرماید: «اسکنوهن

من حیث سکنتم من وجدکم ولا تضار و من لتضیقوا علیهن و ان اولات حمل فانفقوا علیهن حتی یضعن حملهن، (۱) به زنان مطلقه خود سکنی دهید آنگونه که خود مسکن نموده‌اید و به آنان زیان مرسانید و آنان را تحت فشار قرار ندهید و بر آنان سخت مگیرید و چنانچه باردار باشند هزینه زندگی آنان را تا به هنگام زاییدن بپردازید، این است دستور آسمانی اسلام درباره حمایت از حقوق زن در خانواده و وظایف متقابل زن نسبت به شوهر و دیگر افراد خانواده که در واقع نقش ایجاد هرچه بیشتر علقه و محبت بین آنان در درجه نخست همانگونه که گفتیم به عهده زن می‌باشد او است که باید کانون خانواده را سرشار از عشق و محبت نماید و او است که چون شمع فروزان افراد خانواده را پروانه‌وار گرد خود آورده و فضایی از صفا و یگانگی و هم بستگی در محیط گرم خانواده به وجود آورد آری اسلام برای زن مرتبت و منزلتی والا قائل است و شخصیت حقوقی او را چه در زمان صباوت و دوشیزگی و چه در دوران همسرگزینی و چه در دوران جدایی سخت محترم شمرده و اجازه نمی‌دهد کوچکترین اهمال و قصوری نسبت به نگهداری و حفظ حیثیت و حرمت او صورت پذیرد و شدیداً اولیاء دوشیزگان را و

شوهران را از هرگونه تعلق در امر پاسداری از حریم این موجود موهبت بخش آسمانی برحذر می‌دارد و توصیه می‌نماید که باید در تهیه وسایل زندگی و فراهم آوردن هزینه آن در جهت رفاه و آسایش همسران خود آنچنان که شایسته و درخور شخصیت اجتماعی آنان است در بیخ و خودداری ننمایند و هرگاه بانوئی از راه ایشار و فداکاری و نوع دوستی در تأمین هزینه معاش باشوهر خویش مشارکت نماید آنرا باید يك امر مملوح و پسندیده تلقی نمود نه به معنای وظیفه و الزام در ادامه زندگی مشترک و اسلام از آنجا که زن اصولاً موجودی عاطفی است و خیلی زود در برابر مسائل و حوادث زندگی تحت تأثیر قرار می‌گیرد و عکس‌العمل فوری نشان می‌دهد او را از انجام وظایف سنگین زندگی که با خوی و فلسفه آفرینش وی سازگار نیست معاف داشته است تا بتواند به وظایف اصلی خود یعنی حضانت فرزندان و نظارت بر امور داخلی خانه شوهر توأم با دلسوزی بپردازد، بدیهی است وظیفه مادری و نگهداری از کودک نیاز مبرمی به عاطفه و محبت و احساسات انسانی دارد و این کار جز از مادر از عهده دیگری بر نمی‌آید و هیچ عامل دیگری نمی‌تواند جای‌گزین محبت مادر و نظارت مستقیم او در زندگی روزمره کودک باشد و

هرگونه نقصانی که در جهت ایفای این وظیفه سنگین امومت پدید آید در رشد عاطفی کودک تأثیر مستقیم می‌گذارد و او را بعدها در طی مراحل زندگی اجتماعی با مشکلات فراوان روبرو می‌سازد، اینجا است که کیش مقدس اسلام برای نقش زن در تغذیه عاطفه به فرزند اهمیت فراوان قائل است و سرپرستی کودک را از جنبه رشد عواطف و ایجاد روح‌امید و اطمینان در وی تنها از آن مادر می‌داند و پس و نقش پدر در مرحله دوم اهمیت قرار دارد، بنابراین سرپرستی خانواده و به عبارت دیگر پاسداری و حمایت از منافع افراد خانواده بطور کلی در دست مرد است او است که بودجه هزینه زندگی مشترک خانواده را تأمین می‌کند و بجا و شایسته است که بر امور زندگی نیز نظارت داشته باشد البته نه به معنای مردسالاری و یا پدرسالاری هرگز این چنین نظارت و سرپرستی در اسلام مشروع نمی‌باشد بلکه با در نظر گرفتن مصالح طرفین و مقتضیات عصر و زمان آنگونه که با روح اسلام سازگار باشد باید مرد نقش سرپرستی اداره امور زندگی را عهده‌دار گردد بدون آنکه کوچکترین لطمه و خدشه به کرامت و حیثیت زن وارد نماید و این نظارت همانگونه که گفتیم فقط جنبه انسانی دارد و انگیزه آن حمایت

از حقوق خانواده است که زن سنبلی آن بشمار می‌آید و مصلحت خود زن ایجاب می‌کند که فردی دیگر به نام ولی و بعد به نام شوهر خود را در خدمت به وی بگمارد و از او چون گوهری گرانبها نگهداری و حراست نماید و این پاسداری و حمایت باید با کمال لطف و محبت و دور از هرگونه اعمال خشونت صورت گیرد و به هنگام بروز اختلافات خانوادگی حزم و تدبیر و طریق مسالمت را مراعات نماید و از این جهت است که پیامبر اسلام شوهر خدمتگزار و با وفارا الگوی يك انسان کامل معرفی نموده می‌فرماید: «خیرکم خیرکم لاهله» و قرآن کریم با بیانی رسا و بلیغ و کوتاه وظیفه زن را در خانواده روشن و معین می‌نماید: ولهن مثل الذی علیهن بالمعروف وللرجال علیهن درجه (۲). همانگونه که زن در اداره امور داخلی زندگی نقش سازنده به عهده دارد و از اولویت برخوردار است همانگونه مسئولیت وی در ایجاد فضای مساعد جهت رشد عاطفه در محیط خانواده بسیار سنگین است و مرد نیز به همان نسبت که از حق سرپرستی برخوردار است وظیفه او را برای تلاش در جهت رفاه و تهیه وسایل زندگی برای همسر و افراد تحت تکفل خویش سنگین می‌سازد خلاصه آنکه اسلام لطفاً بقیه را در صفحه ۶۷ مطالعه فرمائید

خودکشی

بقیه از صفحه ۶۲

خود را برمی‌شمارد که پس از مرگ شوهر خودکشی کرده‌اند و چون همسر بر وتوس را از خودکشی باز داشتند وی به منظور پیوستن به همسر خود چند قطعه آتش را بلعید. لومبروزو اضافه می‌کند:

«اگر در بین زنان، رقم خودکشی بر اثر بیوگی، کمتر از رقم خودکشی مردان است در عوض زنانی که گول عشق را می‌خورند رقم خودکشی در میان آنان بالاست و این امر همانگونه که بدان اشارت رفت موید آنست که عشق در بین زنان ممکن است کم‌دوام باشد ولی بسیار تند و سوزان است.»

در مورد خودکشی‌های مضاعف گاهی نوشته‌هایی برجا مانده که حاکی از شور و احساسات تند نویسندگان آنها بوده و در ضمن مظهر غایت آرزوی آنان می‌باشد.

بریر می‌نویسد ۱۲ تن که با شخص مورد علاقه خود انتحار کرده‌اند وصیت کرده بودند که هر دو را در یک گور دفن کنند.

«شما، شمایی که می‌بینید، کسانی را که مرگ بهم پیوند داده است از هم جدا مسازید این غایت آرزوی ماست، بدان احترام بگذارید و ما را در یک گور بسپارید.»

«خودکشی بنا بر آنچه گذشت در بین جنایتکاران دیوانه و جنایتکارانی که بر اثر شور و هیجان شهوت به جنایت کشیده می‌شوند به ترتیب بیش از سایر موارد روی می‌دهد.

خودکشی بین دیوانگان بسیار است (در حدود یک پنجم) و جنایتکاران نیز تقریباً در همان حدود خودکشی می‌کنند. بنا بر این اشخاصی که هم دیوانه و هم جنایتکار هستند به ویژه اگر شهوت پای آنان را به جنایت کشانده باشد خودکشی در بین آنان بیش از هر گروه دیگر است.»

لومبروزو راجع به کثرت خودکشی در میان مصروعان اشاره می‌کند که اینگونه خودکشی‌ها گاهی صادقانه و اغلب ساختگی و قسمت اعظم آن خود به خود بدون انگیزه روی می‌دهد.

پاسداری از حریم.....

با روح تعنت و ریاست‌طلبی بهر نوع و کیفیتی که باشد مخالف است و همواره زن و شوهر را به ایجاد محیط سرشار از محبت در خانواده تشویق و ترغیب می‌نماید و اگر مرد یا زن پیش از وظایف محوله در بهبود وضع زندگی خانواده کوشش و تلاش نمایند آنرا ایثار و فداکاری تلقی می‌نماید که خصیصه مردان و زنان نیکوکار است.

(۱) سوره الطلاق آیه ۶

(۲) سوره البقره آیه ۲۲۸